

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۳۰ - ۷

تناسخ در مانویت و اهل حق کلید

محمود اتشبار^۱

چکیده

تناسخ در مانویت زادمرد و در اهل حق دونادون نامیده می‌شود. مانویت و اهل حق معتقد به تناسخ محدود هستند. روان در مانویت جوهره تناسخ پذیر است و در اهل حق روح است. مبدا تناسخ در دین مانوی از انسان شروع می‌شود و در اهل حق مبدا تناسخ، به صورت تکاملی است. مقصد تناسخ در بین مانویان بستگی به اعمال گذشته دارد. در اهل حق معمولاً سیر تکاملی است. از نظر تداوم زمانی، در مانویت تا رهایی کامل روان ادامه دارد و در اهل حق عدد ۱۰۰۱ است. از نظر انتقال مکانی، مانویت و اهل حق قائل به تناسخ در همین جهان مادی هستند. در سیر تناسخ، هر دو دین قائل به تناسخ صعودی و نزولی هستند. فاصله میان دو زندگی در مانویت وجود دارد. در این زمینه در اهل حق اختلاف نظر است که برخی اعتقاد به برزخ دارند و برخی می‌گویند، بلافاصله بعد از مرگ روح به کالبد جسم دیگر می‌رود.

واژگان کلیدی

تناسخ، زادمرد، دونادون، مانویت، اهل حق، زرتشت، روح.

۱. استاد، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: atashbar.mahmood160@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۸

طرح مسأله

ما می‌خواهیم در این مقاله یک تلفیقی ایرانی و اسلامی از حیات بعد از مرگ داشته باشیم که در جوامع امروزی بحثی داغ است. حیات بعد از مرگ به عنوان یکی از اصول مهم همه ادیان و فرقه‌ها است. به همین منظور حیات بعد از مرگ در مانویت و اهل حق را مورد بررسی قرار می‌دهیم. تناسخ در مانویت با عنوان زادمرد و در اهل حق با نام دونادون شناخته می‌شود. براساس که مطالعه‌ای درباره این موضوع انجام شد، هیچ رساله یا مقاله و کتابی یافت نشد. در مورد زادمرد در مانویت به همین منوال است که هیچ مطلبی پیدا نشد. درباره دونادون در اهل حق مقاله و کتاب موجود است. از جمله مقاله می‌توان، دونادون به روایت خاندان الهی تالیف روح اله چاووشی، بررسی تطبیقی آموزه دونادون در این یارسان و تناسخ تالیف جواد لطفی-مصطفی سلطانی-مهدی فرمانیان، اشنایی با فرقه اهل حق و نظریه دونادون تالیف فاضل جعفری، و کتاب دونادون تالیف سید محمد اکبری اشاره کرد. همانطور که گفته شد احتمالاً در این باره هیچ تحقیقی نشده است و برای اولین بار برای روشن تر شدن مسئله تناسخ در مانویت و اهل حقو همچنین زادمرد و دونادون و تشبهاات و تفاوت‌های ایندو تحقیقی انجام می‌پذیرد، که انشاءالله مفید فایده باشد. در این مقاله سعی شده است به صورت مختصر به هدایت انسان، جامعه انسانی، مرگ و سرنوشت جسم بعد از مرگ، تناسخ و انواع ان و راههای نجات در مانویت و اهل حق پردازیم و در اخر مقایسه کوتاه بین مانویت و اهل حق در زمینه حیات بعد از مرگ داشته باشیم تا تفاوتها و تشابهات ایندو بیشتر آشکار شود. امیدواریم این مقاله و تحقیق بتواند زمینه برای تحقیقات بیشتر در این باره باشد.

تناسخ در مانویت

تناسخ در مانویت، زادمرد نامیده می‌شود. که روان از جسمی به جسم دیگر تناسخ می‌یابد. زادمرد به معنی باززایی است.

هستی شناسی در مانویت

در هستی شناسی مانوی، ثنویت خیر و شر وجود دارد و هر دو ازلی و ابدی هستند و آغازی ندارند و خود آغاز همه چیزند. مانوی، خدای بزرگ یعنی سرچشمه خیر را اهورامزدا نمی داند. بلکه مانی هوشمندانه با کمک گرفتن از عقاید گروهی موثر از زرتشتیان و به منظور وفق دادن عقاید خود با باورهای زرتشتی-زروانی، خدای بزرگ را در هستی شناسی و جهان بینی خود زروان نامید. (محمدی ملایری، ۱۳۷۹، ۸) در اسطوره مانوی، افرینش مادی بهانه ای برای بازگرداندن نور به جایگاه اولیه خود است. کسانی که در افرینش دخیل هستند در حد ایزدان مانوی هست نه پدر بزرگی یا زروان. آنچه افریده شده اصلش از وجود دیوان است پس هرگز آنچه افریده شد پاک نیست و با الودگی اختلاط دارد. همین دیدگاه های متفاوت در مورد اصل افرینش مادی تاثیر مستقیمی بر نگاه پیروان مانوی نسبت به جهان مادی و شیوه زندگی مانویان دارد. (شریفی، ۱۳۸۶، ۶۷)

آموزه رستگاری مانوی مبتنی بر دانش و معرفت است. دین مانوی، همانند همه جنبش های گنوسی، دانش را مایه نجات ادمی می داند و این نجات از راه پیروزی نورنیکو بر تیرگی شرور به دست می آید. معرفت از طریق دانش به رستگاری منجر می شود که در آن، انسان تشخیص می دهد که روحش پاره ای از نور و با خدای متعال هم گوهر است. (اسماعیل پور، ابوالقاسم ۱۳۷۳، ۱۲۲)

هدایت انسان

هدایت انسان در مانویت مربوط به بحث نجات شناسی مانوی می شود یکی از ویژگی های مهم و بارز کیش مانوی، جنبه گنوسی آن است که امیخته ای از دین و دانش است. مانویت می خواست تعریفی جامع و فراگیر از جهان به دست آورد و بر این باور نبود که تنها ایمان و عقیده دینی، ابزار موثری در راه رسیدن به رستگاری است. برعکس، آموزه های رستگار مانوی مبتنی بر معرفت بود. جنبه ای که نوید می داد انسان می تواند از چنبره ایمان و سنت به درآید و تنها با سعی و تلاش خود به سوی خداوندگار باز می گردد. (هالروید، استوارت، ۹)

جامعه انسانی

۱- برگزیدگان یا صدیقین

این افراد که تعداد بسیاری از پیروان مانی را در برمی گرفتند به تبلیغ دینی مانی می پرداختند. آنان از والاترین و گرامی ترین افرادی بودند که در مانستانها سکونت داشتند. آنان لذتهای نفسانی را بر خود حرام نموده، عمر خود را با ریاضت و رهبانیت سپری می کردند. برگزیدگان خرقة سفیدی بر تن داشتند و سرشان را پیوسته پوشیده نگه می داشتند. (توفیقی، ۱۴۰۱، ۶۵)

۲- نیوشایان یا نیوشاگان

عامه پیروان مانی بودند که در مانستانها سکونت نداشتند و وظیفه آنان پرستاری و خدمت به برگزیدگان و تهیه خوراک و پوشاک آنها بود. (اقا محمدی، ۱۳۸۴، ۷۰)

اخرت شناسی

مرگ

بنابر روایات مانوی، روان پس از مرگ به دیدار داور دادگر می‌رود و کردار او را در دنیا می‌سنجد و در نتیجه به بهشت می‌رود یا دچار تولد مجدد و بازگشت دوباره به زندگی می‌شود یا به دوزخ می‌رود. (ویدن گرن، ۱۳۹۵، ۳۵)

مانویان معتقدند که اگر شخص در شناخت و فراهم آوردن وسایل رهایی عنصر نورانی وجود خود از زندان ظلمت جسم از طریق پرهیزگاری و رعایت دستورات دینی توفیق حاصل نماید. پس از مرگ روحش به قلمرو نور برمی‌گردد که مخصوص برگزیدگان است. چنانچه کسی کیش مانی را بپذیرد ولی توانایی انجام تمام فرایض و دستورات دینی را نداشته و گناه بزرگی نیز مرتکب شده باشد، محکوم می‌گردد که متوالیا در اجساد دیگر به زندگی باز می‌گردد و دوره دردناک تناسخ را که به اصطلاح سمساره نامیده می‌شود، طی کند تا روح او کاملاً منزّه شده تا لایق پیوستن به ارض نور بشود، که مخصوص نیوشایان است. (عاشوری، مریم، ۱۳۹۲، ۸۲)

انسان گناهکار که این مانی را نپذیرفته و در شهوت و حرص خود غوطه ور بود. هنگام مرگ نیروهای اهریمنی بر او هجوم می‌برند و او را شکنجه و آزار می‌دهند. او به دوزخ

می رود. (رضایی، عبدالعظیم، ۱۳۵۸، ۲۶۹)

تناسخ یا زادمرد

مانی معتقد بود، انسان در گردونه ای از تولدها و مرگ های پیاپی قرار دارد. این گردونه را در ادبیات مانوی با نام زادمرد می شناختند که ناشی از جهل انسان به اصل الهی خویش بود. (ابراهیم، ۱۳۹۹، ۳۲) زادمرد را واژه ای فارسی و مرکب از زاییده شدن و مردن است، برای گونه ای از تناسخ به کار می بردند که در مانویت مطرح بوده است. (موحدیان عطار، ۱۴۰۰، ۴۵)

در مانویت برای رهایی روان از تاریکی، لازم است تا هر کسی به تلاشی آگاهانه اقدام کند. اما مانی یکبار زندگی را برای رهایی روح همگان کافی نمی داند. او معتقد است امکان دارد روان بارها و بارها پیش از آنکه از راه کسب فضیلت کامل رهایی یابد، متولد گردد. البته او دو گزارش از سرنوشت روان را بیان می کند: نخست اینکه روانها پس از مرگ به نزد دادگاه عدالت رفته و درباره آنها یکی از سه حکم صادر می شود: یا باید به حیات که انرا به بهشت جدید تفسیر کرده اند، برگردد؛ یا محکوم می گردد به امیختگی که مراد ازان را بازگشت به این جهان دانسته اند، و یا باید به عقوبت مرگ گرفتار شود، که عبارت از دوزخ. روان نیکوکاران که از بدن رهایی می یابند، با یکی از خدایان رهاننده که به وسیله سه فرشته همراهی می شود، ملاقات می کند. آن سه فرشته نشانه های رهایی او را در خود حمل می کنند، یعنی حلقه گل، نیم تاج، ردا و سرانجام روان با این نشانه ها به بهشت نو در می آید. (دکره، ۱۳۹۷، ۸۲) شاید به سبب این اشفتگی ها در تبیین تناسخ باوری مانوی باشد که برخی میان این دو گزارش را جمع کرده و گفته اند، بر پایه عقاید مانوی، روان درستکاران پس از مرگ بی درنگ به بهشت می رود، و تنها بدکارانند که دچار تناسخ می گردند (کلیم کایت، ۱۳۷۳، ۵۱) گزیدگان به بهشت چشم امید بسته اند که پس از مرگ بدانجا می رسند. نیوشایان نیز رستگاری پس از زادمرد یا تناسخ را انتظار می کشند که بدان هنگام در حلقه گزیدگان درآیند. این بازگشت به عالم مربوط به نیوشایان نیست بلکه نوری است که در آن مخفی است و باید انقدر به جهان بازگردد که عاقبت در عالم نور فانی شود. (کریستین، سن، ۱۳۹۰، ۵۱)

تناسخ نا محدود یا محدود

جوهره تناسخ پذیر

بنابر عقیده مانویت جوهر تناسخ پذیر که امری ثابتی بنام روان است که در جسم انسان اسیر است و با مرگ انسان یا جسم، از بین نمی رود و ممکن است، دچار چرخه تناسخ می شود و یا مستقیماً به بهشت می رود و یا وارد دوزخ می شود. (وامقی، ۲۳۸، ۱۳۷۷)

کالبد مبدا و مقصد

مبدا تناسخ در مانویت، با افرینش انسان شروع می شود و انسان براساس اعمال و همچنین طبقه انسانی که جز نیوشایان باشد، دچار چرخه تناسخ می شود. زندگی بعدی هم متأثر از اعمال گذشته است. اگر کارهای نیک انجام داده باشد روانش به کالبد انسانی خوب و خوش چهره منتقل می شود. کارهای بد انجام داده باشد و مرتکب گناه شده باشد. در زندگی بعدی، به کالبد انسانی بدزشت یا حیوان و گیاه و جماد منتقل می شود. برای مثال، اگر کسی حیوانی را بکشد یا آزار رساند در زندگی بعدی شاید به صورت آن حیوان درآید. پس زندگی بعدی انسان، بستگی به اعمالش در زندگی گذشته دارد. (فومشی ۵۵، ۱۳۸۲، شگری)

تداوم زمانی

در باب تداوم زمانی در مانویت، چرخه تناسخ تا رهایی کامل روان از ماده با توجه به عنصر معرفت برای نجات و رهایی ادامه دارد. محدوده زمانی مشخصی ندارد، با توجه به کسب معرفت در باب هدایت انسان، هرچه انسان به معرفت بیشتری و پیمودن مراتب کمال دست پیدا کند، می تواند زودتر از چرخه تناسخ رهایی یابد و به بهشت برود. در هر بار از چرخه تناسخ که به مرتبه کمال نزدیک می شود سرانجام زمانی فرا می رسد، که کل انسان روی زمین این مراتب را پشت سر بگذارند و به کمال برسند، و شکست کامل شیطان و جدایی کامل تاریکی و ظلمت و هنگام جدایی کامل جهان نور از جهان ظلمت است. پس مانویان معتقد به تناسخ نامتناهی نبوده اند، بلکه انرا مقطعی و تداوم انرا تا پالوده شدن روان انسان بدکار می دانسته اند. (موحدیان عطار، ۱۴۰۰، ۴۵)

انتقال مکانی در تناسخ

بنابراین اصل زادمرد انسانها بارها به این دنیا می‌آید و از این جهان می‌رود و در این زندگی‌ها مسیر کمال را طی می‌کند تا به کمال مطلق برسد و به روان خالص مبدل گردد. (جلالی، ۱۳۸۸، ۶۵)

جهت سیر در تناسخ

بنابر عقیده مانویت، انسان بر اساس گناهان خود یا به انسان دیگر تناسخ می‌یابد یا سیر نزولی یا صعودی پیدا می‌کند، اگر سیر نزولی پیدا کرد و به حیوان تناسخ یافت، دوباره می‌تواند سیر صعودی پیدا کند، و به انسان تناسخ یابد پس در مانویت در بحث سیر روان، هم سیر صعودی و هم سیر نزولی وجود دارد. (شریفی، ۱۳۸۶، ۱۲۹)

فاصله میان دو زندگی

بنابر عقیده مانویان، انسان پس از مرگ به دیدار داور دادگر می‌رود و در آنجا بر اساس گناهان خود سنجیده می‌شود، و اگر گناهکار و یا از نیوشایان باشد، دچار چرخه تناسخ می‌شود و به این جهان برمی‌گردد. زمان دیدار شخص با داور دادگر، فاصله بین دو زندگی گذشته و آینده است که در آنجا به اعمالش رسیدگی می‌شود. (دکره، ۱۳۹۷، ۸۲)

نجات‌شناسی

انسان برای نجات خود و رهایی کامل از چرخه تناسخ باید یک سری مناسکی از جمله عید بیم، سماع، اقرار به گناهان، صدقات و خیرات انجام دهد و علاوه بر آن اعتقاد به منجی و بهشت داشته باشد.

از طریق مناسک

بنابر اعتقاد مانویان، نجات و رهایی از چرخه تناسخ و ازاد کردن نور یا روان از دست ماده یا جسم از طریق انجام مناسک امکان‌پذیر است و با انجام اداب و رسوم، انسان زودتر می‌تواند از چرخه زادمرد رهایی یابد.

عید بیم

عید بیم با یاد کردن دوران مانی، یاد رهبری را زنده نگه می‌داشت، که هم اینک نیز امتش را ناپیدا رهبری و داوری و تعلیم می‌کند بزرگترین عید مانویان است. در آخر دوازدهمین ماه یا پایان ماه روزه مانویان برپا می‌شود. هدف از برگزاری این جشن یادآوری مرگ مانی و رنجهای او بوده است، چنین فرض شده است که مانی به شکل نامرئی در آن ضیافت حضور دارد. (ویدگرن، ۱۳۹۵، ۱۳۸)

اقرار به گناهان

زمان اقرار هفتگی به گناهان روز دوشنبه بوده است. هر دو گروه گزیدگان و نیوشایان موکلف بدان بوده‌اند. (فومشی شگری، ۱۳۸۲، ۱۶۱)

سماع

در کیش مانی، موسیقی جزو ثبوبات یا ثوابها بود و انرا هدیه ای از اسمان می‌دانستند. آنان غنا را بسیار دوست داشتند. (تقی زاده، ۱۳۷۹، ۸۸)

نجات از طریق منجی

منجی که همان تجلی قاصد سوم است، به انواع گوناگون توصیف شده است. او پسر خدا یا زروان مقصود انسان اولیه است، یا عیسی درخشان یا عیسای نور درخشان. اسامی عیسی البته متعلق به اعتقادات ایرانی و سریانی است. مسلم است در چهارچوب این نظام، او پسر خدا و مظهر عقل رهایی بخش است، در حقیقت مانی خود را همان موعودی می‌دانست که عیسی مسیح از آمدنش خبر داده بود. (رجب‌نیا، ۱۳۹۶، ۱۶۵)

مقصد نهایی زادمرد، بهشت روشنی

بهشت روشنایی مقصد نهایی برگزیدگان و نیوشایان است. در بهشت روشنی، مرغزار، دشت، خانه‌های بی‌شمار، کاخ‌ها، تخت‌ها و مسندها را که جاودانی‌اند، وجود دارد. در بهشت روشنی همه اسوده‌اند و ترس را نمی‌شناسند. در روشنی‌ای هستند که در آنجا تاریکی نیست، در زندگی جاودان، بی‌مرگ و تندرست‌اند. چنان در شادی غرق هستند که اندوه نمی‌شناسند. (اردستانی، ۱۴۰۰، ۳۱) در عشق بی‌تفرند و در حلقه دوستان، آنان را

جدایی نیست. زیبایی شان نابودی ندارند و کالبد خدایی شان، جاودانی است. برای خوراک نوشیدنی خود هرگز رنج و سختی نمی کشند. آنان بسیار نیرومند و توانگرند و نام فقر را نمی شناسند. شهریار بهشت روشنی، پدربزرگی، فرمانروایی بزرگ و نورانی است که پنج اندام دارد: حلم، علم، عقل، غیب و فطنت یا زیرکی. افزون بر این پنج اندام دیگر نیز دارد که عبارت از، محبت، ایمان، وفاء، مروت و حکمت. او درخت نیکویی است که میوه بد نداده است. پدری که فرزندان بسیارند، نگاهبانی که برج خویش را پاس می دهد. تاجی جاودانه بر سر دارد و اورنگش هرگز سقوط نمی کند و جایگاهش دارای دوازده دیوار مستحکم است. و همچنین روح القدس، همسر مینویی پدر بزرگی است و همواره در کنار اوست. او همیشه حقیقت را بر ما آشکار می کند. (اسماعیل پور، ۱۳۷۳، ۲۰)

تناسخ در اهل حق

دون در اهل حق به معنی جامه است تناسخ در فرقه اهل حق، به دونادون مشهور است. یعنی روح باید ۱۰۰۱ دون یا جامه را سپری کند تا به کمال برسد.

هستی شناسی

در مبحث هستی شناسی اهل حق با تکیه بر تجلی باریتعالی، به مقام خاوندکار یا خداوند معتقد هستند. (سلطانی، ۱۳۸۰، ۶۱) از نظر آنان، خداوند قبل از خلقت وجود داشته و هیچ چیز به جز او وجود نداشته است. آسمان و زمین هنوز خلق نشده بودند. همه چیز در کنه ذات بنام خداوند است. خداوند با قدرت خودش تمام عناصر هستی و همچنین جهان را به وجود آورد. (رستمی، ۱۳۹۲، ۱۷۸)

توحید از دیدگاه اهل حق می توان با سه نگاه بررسی کرد:

- ۱- توحید از دیدگاه اهل حق با نگاه به کتب و دفاتر مقدس اهل حق.
 - ۲- توحید از دیدگاه اهل حق با نگاه و سخنان بزرگان، اندیشمندان و رهبران اهل حق.
 - ۳- توحید از دیدگاه اهل حق با توجه به نگاه عوام اهل حق. (جیحون آبادی، ۱۳۶۴، ۳۱)
- اهل حق به تجسم، جسم و جسمانی بودن ذات الهی معتقد هستند و همانطور که در کتب آنان نیز موجود است، فرقه اهل حق به خدا بودن حضرت علی (ع) و سلطان اسحاق

صریحا اذعان دارند و معتقدند خدا باید دیده شود و اگر دیده نشود خدایی موهم است. از نظر اهل حق دلیل اینکه خداوند جسم است و در جامه بشری حلول کرده، این است که بدین وسیله شناخته شود. جالب اینکه بعضی بزرگان فرقه اهل حق مانند نورعلی الهی ادعا می‌کنند که خداوند را دیده‌اند. البته باید گفت وقتی از نظر اتباع اهل حق سلطان اسحاق و برخی رهبران فرقه اهل حق خدا باشد، رویت آنها هم فرض محالی نیست. (گودرزی بروجردی: ۱۳۹۹، ۸۰)

هدایت انسان

اهل حق به اصل نبوت اعتقاد داشته و در اهمیت هدایت و رهبری در طول زندگی و مراحل سخت، انسان را بی‌نیاز از راهبر نمی‌دانند. در اهل حق بیان شده، مسیری که مشخص شده، توسط رهبر و راهنما عبور کنیم تا اینکه راههای پُرپیچ و خطرناک را به وسیله هدایت او طی کنیم، و از این همه ظلمت و تاریکی خطری متوجه ما نشود و انسان در صورت عدم پیروی از راهنما و رهبر که همان پیامبران است در پیشگاه الهی شرمنده و سرافکنده خواهد شد. (شاه ابراهیمی، ۱۳۷۱، ۷۵)

جامعه انسانی

جامعه اهل حق به دو طبقه اصلی تقسیم می‌شود: پیران و عموم پیروان. پیران، افرادی هستند که به دلیل دانش دینی و معنوی عمیق خود، رهبری جامعه را بر عهده دارند. آنها مسئول هدایت عموم پیروان و آموزش اصول و مناسک دینی به آنها هستند. پیران وظیفه دارند که تعالیم اهل حق را به نسل‌های بعدی منتقل کنند و در مناسک دینی جامعه نقش محوری ایفا کنند (During, 1989: 104).

در این اهل حق از یازده خاندان نام برده می‌شود، که عبارت از:

- ۱- خاندان شاه ابراهیمی: این خاندان منسوب به شاه ابراهیم جزء هفتن است.
- ۲- خاندان بابایادگار: این خاندان منسوب به بابایادگار جزء هفتن است.
- ۳- خاندان خاموشی: این خاندان منسوب به سیداکابر ملقب به خاموش است.
- ۴- خاندان عالی قلندری: عالی قلندر در قرن هشتم هجری در دالاهو متولد شد. در

هنگام نصب خاندانها در قید حیات نبوده است.

- ۵- خاندان میرسوری: این خاندان منسوب به میرسوری از هفتوانه است.
- ۶- خاندان سید مصطفایی: سید مصطفی یکی از هفتوانه است.
- ۷- خاندان حاجی باویسی: حاجی باویس جزء هفتوانه است.
- ۸- خاندان زنوری: منسوب به ذوالنور قاندر فرزند خان اسمر است.
- ۹- خاندان آتش بگی: منسوب به آتش بگ فرزند محمدبگ لرستانی است.
- ۱۰- خاندان شاه هیاسی: این خاندان منسوب به شاه ایاز یا هیاس می باشد.
- ۱۱- خاندان بابا حیدری: این خاندان منسوب به سیدحیدر فرزند سیدمنصور ملقب به سید براهه است. (فتاح پور، ۱۳۹۵، ۱۱-۱۰)

اخرت شناسی

مرگ

مرگ در نزد اهل حق، به منزله شنا کردن مرغابی در آب است که هیچ ترسی از آن ندارند، زیرا آنرا نوعی تنبیه برای افرادی می دانند که در دون بعدی، چه خوب و چه بد، آنرا خواهند دید. (مشکور، محمدجواد: ۱۳۸۵، ۸۰) طبق نظر پیشوایان اهل حق و بنابر اصل دونادون، جسم شخص متوفی از بین رفته و روح او بر حسب اعمالش به جسم دیگر حلول می نماید و لذا مرگ و فنای جسم به منزله تعویض لباس و جامه است. اهل حق مرگ را سراغاز برای یک زندگی مجدد می دانند. (حسینی، ۱۳۸۲، ۶۸۵)

تناسخ یا دونادون

مهمترین رکن مذهب اهل حق، تناسخ است. و در واقع پایه و اساس دین مزبور را تشکیل می دهد، و می توان گفت یکی از مهمترین قسمت از عقاید آنهاست، که اهل حق را از اسلام جدا می نماید. بیشتر پیروان اهل حق در مورد دونادون یا تناسخ با توجه به کلام های دفتری خود اتفاق نظر دارند. (لعل ارا، ۱۳۹۷، ۱۳-۱۲) دون لغتی ترکی است، و به معنای جامه می باشد. اهل حق، معتقدند که روح در هر مرحله به کمال بیشتری می رسد، تا هزار و یک مرحله ادامه دارد و آنرا متفاوت از تناسخ هندی می دانند. اگر تناسخ یا دون به

دون و به تعبیر نور علی الهی، سیر تکامل را از مسلک اهل حق برداریم چیزی انچنان از ان باقی نمی ماند. (ولی زاده، ۱۳۸۰، ۶۷-۶۶-۶۵) روح با گردش در قالبهای مختلف، جزای گذشته ی خود را می بیند و هر انسانی اگر رفتارش خوب باشد و از راه راست رود، روح او به جامه نیکان و اگر کار بد انجام دهد، روح او به جامه بدان حتی به خزندگان و درندگان می رود و از این راه جزای کردار بد خود را می بیند و پس از عوض کردن هزار و یک جامه به جاودانی ها پیوسته می شود. بنابراین هر فردی می تواند با پیروی از راه راست و انجام دادن کارهای نیک در ادوار مختلف و بازگشت به جهان به پایه های بالاتری از زندگی نائل گردد، و یا در صورت عدم پیروی از راه راست و متابعت از هوای نفس به زندگی پست تری تا درجه حیوانیت تنزل کند. هیچ چیز به طور کلی از بین نمی رود و برای بازگشت لازم است هر کسی سرنوشت خود را به دست گیرد و با تولدهای جدید، بدین منظور نائل آید. (صفی زاده، ۱۳۷۵، ۱۹۰)

تناسخ نامحدود یا محدود

در اهل حق تناسخ محدود مورد قبول است، چون باید ۱۰۰۱ دون را سپری کند. بنابراین در این زمینه محدودیتی وجود دارد. (گودرزی بروجردی، ۱۳۹۹، ۹۱)

تناسخ جوهر پذیر

روح به عنوان امری واقعی که بعد مرگ عامل تناسخ است، و از بدنی به بدن دیگر می رود. جوهره تناسخ پذیر در این اهل حق، روح است جسم فانی و به خاک تبدیل می شود و این روح است، که از جسمی به جسم دیگر تناسخ و حلول پیدا می کند. (لعل ارا، ۱۳۹۷، ۱۵)

کالبد مبدا و مقصد

اهل حق تناسخ را بر اساس تکامل قبول دارند، یعنی آمدن انسان به جهان، برای این است که یک خط سیر تکاملی را طی کند و قبل از اینکه به جامه انسانی بیاید، روح او مراحل جمادی و نباتی و حیوانی را طی کرده، تا به مرحله انسانی که نسبت به مراحل قبلی اش بالاتر است، برسد. (صحبت منش، ۱۳۸۲، ۲۳۵) کالبد مقصد هر انسانی، اگر رفتارش خوب

باشد و از راه راست رود، روح او به جامه نیکان و اگر کار بد انجام دهد، روح او به جامه بدان حتی به خزندگان و درندگان می رود و از این راه جزای کردار بد خود را می بیند. (مکاری، ۱۳۹۲، ۴۶)

تداوم زمانی

در نزد اهل حق، روح انسان بعد از مرگ به کالبد دیگری می رود تا سیر تحولات خود بر اساس اعمال گذشته اش ادامه دهد. این گردش روح و عوض کردن جامه تا جایی ادامه یابد که تعداد دون های مقرر که هزار و یک دون، مطابق با هزار و یک اسم متفاوت را تجربه کند، و در هزار و یکمین دون یا جامه است که به ذات حق ملحق می گردد. (اکبری، ۱۳۸۰، ۶۵)

انتقال مکانی در تناسخ

در این اهل حق تناسخ و ثواب و عقاب در همین دنیاست. اعمالی که ما انجام می دهیم جزای دوره های قبلی است. (ولی زاده، ۱۳۸۰، ۶۷)

جهت سیر در تناسخ

در اهل حق بیشتر تناسخ صعودی مطرح است ولی تناسخ نزولی هم دارد. روح هایی که در این جهان در بُعد عملی و علمی به حد کمال نرسیده باشند، پس از مرگ با توجه به مرتبه کمال و نقص خود و صفاتی که دارند، به کالبدی با آن مرتبه می پیوندند تا از پستی ها و تیرگی ها پاک شوند. در این اهل حق انتقال از ابدان ادون به ابدان اشرف صورت می گیرد. معتقدند گیاه مناسبترین مرتبه وجودی برای قبول حیات اولیه است. (صادقی، ۱۳۷۷، ۱۶۵)

فاصله بین دو زندگی

در فرقه اهل حق فرایند دونادون همزمان با مرگ اتفاق می افتد و روح بی درنگ از جسم متوفی خارج می شود تا به کالبد بعدی وارد شود. اما در برخی متون اهل حق به وجود نوعی برزخ قائل شده اند که روح پیش از ورود به جسم بعدی، مدتی را برای محاسباتی موقت در آن محل یا برزخ می ماند. (ابراهیم، ۱۳۹۹، ۴۷)

۱-۴. نجات شناسی

انسان در اهل حق برای رهایی از چرخه تناسخ و دونادون باید یک سری مناسکی انجام دهد تا زودتر از این چرخه رهایی یابد

از طریق مناسک:

۱- جم و جمخانه

یکی از اداب مهم و برجسته اهل حق، داشتن جم خانه و جم نشینی است. (غلامی، ۱۳۹۱،

(۷۱)

۲- سرسپاری

سرسپردگی تقریباً به معنی، سر تسلیم فرود آمدن در مقابل اداب و رسوم این اهل حق و تخطی نکردن از آن است، بنابراین هر فردی که پیرو این ایین باشد باید چنین مراسمی را انجام دهد و به آن معتقد شود، در غیر اینصورت خارج از مسلک محسوب می شود و از دید اکثر افراد اهل حق، مراسم سرسپردگی جزو ضروریات دین است. در مرام اهل حق اگر کسی سرسپرده نباشد، اهل حق محسوب نمی شود. (صفی زاده، ۱۳۹۷، ۱۲۹)

۳- عزاداری محرم

دهه اول ماه محرم و بخصوص تاسوعا و عاشورا، بسیاری از پیروان اهل حق در این مورد و اغلب موارد دیگر خود را شیعه میدانند و مراسمی همسان و همراه با شیعیان در دهه اول ماه محرم برگزار نموده، به شکلی که تنها وجه تمایز ایشان داشتن شارب است. (طباطبایی فر، ۱۳۸۵، ۲۷)

ماه رمضان:

ماه مبارک رمضان به عنوان پالایش روح و جسم مورد توجه عموم مسلمانان است. در این میان برخی از خاندانهای اهل حق، لزوم بهره گیری از این ماه را مورد توجه قرار داده و خود را ملزم به گرفتن روزه در این ایام می دانند. اگرچه متفاوت از مسلمانان است، اما حرمت ماه مبارک رمضان توسط این مسلک رعایت می گردد. (یاسمی فرد، ۱۳۹۷، ۳۹)

اعیاد

عید خاوندکار

نخستین عید اهل حق، عید خاوندکار است که پس از گرفتن سه روز، روزه غار یعنی از دوازدهم چله بزرگ زمستان تا چهاردهم و روز پانزده بنام روز پادشاهی یا روز سان سهاک یا روز سلطان جشن گرفته می شود. (فتاح پور، ۱۳۹۵، ۲۱)

جشن قولطاس:

دومین عید اهل حق، یاران قولطاس است که از چهاردهم چله بزرگ زمستان و تا شانزدهم می باشد. روز هفدهم بنام یاران قولطاس جشن می گیرند. در این جشن همراه خانواده ای به اندازه توانایی خود نیازی فراهم می آورد و به جمخانه می برد و تقدیم می نماید و پس از انحلال جم و قسمت نمودن آن به خانه باز می گردد و به شادی می پردازند و جامه های نو می پوشد. (صفی زاده، ۱۳۶۱، ۵۷۷)

نوروز:

جشن امین اهل حق، نوروز که برای پایان یافتن آفرینش و خلقت انسان است.. (جیحون آبادی، ۱۳۶۴، ۴۵)

عید غدیر:

در سالروز عید غدیر، وقایع اینروز که به اعلام امامت حضرت علی (ع) انجامید. (یاسمی فرد، ۱۳۹۷، ۳۷)

عید قربان:

از دیگر مراسم در امین اهل حق، عید قربان است که در اهل حق توجه ویژه ای به آن شده است. (الهی، ۱۲۷۳، ۴۵۹)

نجات از طریق منجی

مهدویت و ظهور منجی به روشنی از منابع اهل حق قابل برداشت است و به صورت قطع از عقایدی است که مورد قبول آنها بوده، و به مانند شیعیان او را برقرارکننده عدالت می دانند. مبارکشاه علوی یا شاه خوشین اساس فکر پیروانش را بر استوانه جاویدان ولایت علی (ع) و ظهور منجی مهدی موعود استوار کرده و معتقد بوده، ظهور منجی از غیر سلسله

علویان، کاذب و غیر حقیقی است. مساله تناسخ در اهل حق با تناسخ و حلول امیخته است. (سلطانی، ۱۳۸۰، ۴۴)

مقصد نهایی دونادون، بهشت

مردم اهل حق، بهشت را در همین جهان می دانند، زیرا معتقد به تعویض جسم و روح هستند. طبق این عقیده کسانی که دارای اعمال پسندیده و خوب باشند، در جسم دیگری از لحاظ مادی و معنوی وضع بهتری دارا شده و یک قدم به خدا نزدیکتر می شوند. روح انسانهای پاک و پخته به منبع بیکران نورالهی متصل و غایت مراد حاصل می گردد. در روز محشر یا قیامت که به اعمال رسیدگی می شود، افراد نیکوکار و حقیقت طلب در جوار رحمت حق قرار می گیرند. (قاضی، ۱۳۵۸، ۴۸)

مقایسه هستی شناسی در مانویت و اهل حق

در هستی شناسی مانوی، ثنویت خیر و شر وجود دارد و هر دو ازلی و ابدی هستند و آغازی ندارند و خود آغاز همه چیزند. مانوی، خدای بزرگ یعنی سرچشمه خیر را هورامزدا نمی داند. بلکه مانی هوشمندانه با کمک گرفتن از عقاید گروهی موثر از زرتشتیان و به منظور وفق دادن عقاید خود با باورهای زرتشتی-زروانی، خدای بزرگ را در هستی شناسی و جهانی خود زروان نامید. (محمدی ملایری، ۱۳۷۹، ۸)

مقایسه هدایت انسان در مانویت و اهل حق

آموزه رستگاری مانوی مبتنی بر معرفت و دانش است و دانش را مایه نجات می دانند. عنصر معرفت یکی از اصلی ترین شاخه های مانویت است. آموزه رستگاری مانوی مبتنی بر دانش و معرفت است اهل حق نبوت را قبول دارند و اعتقاد دارند که با پیروی از پیامبران می توان به سعادت رسید. پیروان اهل حق نبوت تمام پیامبران اسمانی و از جمله؛ پیامبر گرامی اسلام و خاتمیت ایشان را قبول دارند و نسبت به هیچ کدام از پیامبران الهی اظهار تردید نمی کنند. در مبحث هستی شناسی اهل حق با تکیه بر تجلی باریتعالی به مقام خاوندکار یا خداوند معتقد هستند. (سلطانی، ۱۳۸۰، ۶۱) از نظر آنان، خداوند قبل از خلقت وجود داشته و هیچ چیز به جز او وجود نداشته است. آسمان و زمین هنوز خلق نشده بودند.

همه چیز در کنه ذات بنام خداوند است. خداوند با قدرت خودش تمام عناصر هستی و همچنین جهان را به وجود آورد. (رستمی، ۱۳۹۲، ۱۷۸)

مقایسه جامعه انسانی در مانویت و اهل حق

در مانویت جامعه انسانی به گزیدگان و نیوشایان تقسیم می شود. برگزیدگان: به تبلیغ دین مانی می پرداختند و از والاترین و گرامیترین افرادی هستند که در مانستانها سکونت داشتند. آنها لذتهای نفسانی را بر خود حرام نموده، و عمر خود را با ریاضت و رهبانیت سپری می کردند. نیوشایان، وظیفه آنها پرستاری و تهیه خوراک و پوشاک آنها بود. نیوشایان، ملزم بودند برای امرار معاش برگزیدگان قسمتی از دارایی خود را به عنوان زکات به برگزیدگان ببخشند جامعه اهل حق به دو طبقه اصلی تقسیم می شود: پیران و عموم پیروان. پیران، افرادی هستند که به دلیل دانش دینی و معنوی عمیق خود، رهبری جامعه را بر عهده دارند. آنها مسئول هدایت عموم پیروان و آموزش اصول و مناسک دینی به آنها هستند. پیران وظیفه دارند که تعالیم اهل حق را به نسل های بعدی منتقل کنند و در مناسک دینی جامعه نقش محوری ایفا کنند.

مقایسه سرنوشت جسم بعد از مرگ در مانویت و اهل حق

بنابر روایات مانوی، روان پس از مرگ به دیدار دادگر می رود و کردار او را می سنجد. طبق نظر پیشوایان اهل حق و بنابر اصل دونادون، جسم شخص متوفی از بین رفته و روح او بر حسب اعمالش به جسم دیگر حلول می کند. هر دو دین مانویت و اهل حق به بیهوده بودن و فانی بودن جسم اعتقاد دارند و بعد از مرگ، جسم از بین می رود و چیزی بنام جسم با آن مشخصات وجود ندارد و روان و روح به جسم دیگر انتقال می یابد.

مقایسه تناسخ در مانویت و اهل حق

در مانویت تولد مجدد و تناسخ زادمرد نام دارد. مانی شخصا زادمرد را از ارکان تعلیمات خویش قرار داده است. مانویان معتقد به تناسخ مقطعی و تداوم آن تا پاک شدن روح انسان بدکار دانسته اند. در دین مانوی نیوشایان رستگاری بعد از زادمرد را انتظار می کشند. یکی از تعلیمات مانوی در امر تناسخ، اجتناب از آزار رساندن به حیوانات

است. تناسخ پایه و اساس این اهل حق را تشکیل می‌دهد. تناسخ در اهل حق به دونالدون معروف است که روح انسان باید ۱۰۰۱ دون یا جامه را عوض کند تا به ذات حق ملحق بشوند. به صورت کلی در مانویت، تناسخ به عنوان ابزاری برای پالایش روح و رهایی از جهان مادی در نظر گرفته می‌شود. در اهل حق، تناسخ یا "دونادون" به عنوان فرآیندی برای تکامل روح و رسیدن به وحدت با خداوند دیده می‌شود.

مقایسه عمومیت یا محدودیت تناسخ در مانویت و اهل حق

در مانویت و اهل حق معتقد به تناسخ محدود هستند، با این تفاوت که در مانویت تا رسیدن به کمال این فرایند تناسخ ادامه دارد و در اهل حق باید ۱۰۰۱ دون را سپری کنند تا به ذات حق برسند.

مقایسه جوهره تناسخ پذیر در مانویت و اهل حق

جوهره تناسخ پذیر در مانویت روان و اهل حق روح است. و این روان و روح است که تناسخ و تولد مجدد پیدا می‌کند تا از از گناهان و الودگی‌ها رهایی یابد و به کمال برسد. در مانویت، روان تا رهایی کامل از جسم و ماده تناسخ می‌یابد. در اهل حق روح باید ۱۰۰۱ دون را سپری کند تا به ذات حق پیوندد.

مقایسه کالبد‌های مبدا و مقصد در مانویت و اهل حق

مبدا تناسخ در مانویت با آفرینش انسان شروع می‌شود و مقصد بعدی تولد مجدد بستگی به اعمال انسان دارد. اگر نیکوکار باشد روانش به انسان خوب و زیبا منتقل می‌شود و اگر بدکار باشد روانش به انسان زشت یا حیوان و گیاه و جماد منتقل می‌شود. در اهل حق، تناسخ بصورت تکاملی است.. یعنی از جماد شروع می‌شود و به انسان ختم می‌شود. در اهل حق مانند مانویت بستگی به اعمال زندگی گذشته انسان دارد تا زندگی بعدی مشخص شود.

مقایسه تداوم زمانی در مانویت و اهل حق

درباره تداوم زمانی در مانویت چرخه تناسخ تا رهایی کامل روان از ماده ادامه دارد هر کسی معرفت بیشتری کسب کند، زودتر می‌تواند از چرخه تناسخ رهایی یابد. تداوم

زمانی در اهل حق بصورت ۱۰۰۱ دون است. یعنی بعد از هزار و یکمین دون، روح او به ذات حق ملحق می شود و محدود به ۱۰۰۱ دون است. پس در مانویت و اهل حق تداوم زمانی محدود به زمان خاصی است.

مقایسه انتقال مکانی در مانویت و اهل حق

در مانویت و هم در اهل حق چرخه تناسخ و تولد مجدد در جهان مادی اتفاق می افتد. براساس اصل زادمرد، انسان بارها در این دنیا متولد می شود و از دنیا می رود تا در این زندگی ها، مسیر کمال خود را طی کند در دونا دون هم باید در این جهان ۱۰۰۱ دون را سپری کند تا به ذات حق برسد.

مقایسه جهت سیر در تناسخ در مانویت و اهل حق

در مانویت و اهل حق سیر بصورت صعودی و نزولی است. در مانویت بستگی به اعمال زندگی گذشته دارد. که برحسب ان اعمال، اگر خوب باشد به انسان یا موجود برتر صعود می کند. اگر بد باشد به درجه حیوانیت یا گیاه و جماد نزول می کند. در اهل حق بصورت سیر تکاملی یعنی از نزولی به سیر صعودی است. اهل حق مانند مانویت بستگی به اعمال زندگی گذشته دارد.

فاصله بین دو زندگی در مانویت و اهل حق

در مانویت فاصله بین دو زندگی برای رسیدگی به اعمال انسان وجود دارد. در این فاصله به زندگی گذشته رسیدگی می شود. در برخی متون اهل حق بی درنگ روح متوفی به کالبد دیگری می رود. اما در برخی دیگر، قائل به عالم برزخ و فاصله میان دو زندگی هستند. که مانند مانویت، به اعمال زندگی گذشته رسیدگی شود.

مقایسه نجات شناسی در مانویت و اهل حق

انسان در مانویت و اهل حق، از طریق مناسک و اعتقاد به منجی و بهشت می تواند، زودتر از چرخه تناسخ نجات پیدا کند و به رهایی کامل و کمال برسد.

نجات از طریق مناسک

در مانویت و اهل حق برای نجات از چرخه تناسخ باید یک سری مناسک انجام دهند. در مانویت برای رهایی روان از جسم مناسکی از جمله ۱- عید بیم ۲- اقرار به گناهان ۳- سماع انجام می دهند. در اهل حق برای رهایی از دون ها که به ذات حق زودتر متصل شود مناسکی از جمله ۱- جم وجم خانه ۲- مسائل مربوط به قربانی ۳- سرسپاری ۴- عزاداری ماه محرم ۵- ماه رمضان ۶- اعیاد از جمله ۱- عید خاوندکار ۲- جشن یاران قوطاس ۳- نوروز ۴- عیدغدیر ۵- عید قربان انجام می دهند.

نجات از طریق منجی

در مانویت و اهل حق، اعتقاد به منجی وجود دارد. در دین مانوی، برای عیسی اسامی ذکر شده است. در حقیقت مانی خود را همان موعودی می دانست که عیسی مسیح از آمدنش خبر داده بود. در اهل حق اعتقاد به مهدویت و ظهور حضرت مهدی (عج) به عنوان منجی و پایان دادن به ظلمها و ستمها است.

بهشت؛ مقصد نجات

مقصد نهایی مانویان بهشت روشنی است. از جمله ویژگیهای بهشت روشنی عبارت از مظهر زیبایی شگفت انگیز، دارای نیروی خداوار، قائم به ذات، جاودانی و معجزه اسا است. در انجا زندگی جاودان، بی مرگ و همه تندرست اند و بهشت روشنی مقصد نهایی در مانویت است. اهل حق، بهشت را در همین جهان می دانند. و معتقدند که لازمه عدالت خداوند این است، که هرکسی پاداش و عقاب خود را در همین دنیا ببیند، زیرا معتقد به تعویض جسم هستند. دون های برتر و بالاتر به منزله بهشت و دونهای بدتر و پایین تر به منزله جهنم تلقی می شود.

جمع بندی

از نظر هستی‌شناسی مانویت اعتقاد به زروان که خدای خیر است در مقابل اهریمن که خدای شر است، دارد. اهل حق اعتقاد به توحید و خدای یگانه بیکران دارد. هدایت انسان، در مانویت مبتنی بر معرفت و دانش است که بر پایه آن، انسان به رستگاری می‌رسد. انسان در اهل حق به وسیله رهبر و راهنما می‌تواند به ذات حق ملحق شود. هر دو مکتب دارای ساختارهای اجتماعی و طبقات دینی مشخصی هستند که شامل رهبران معنوی مانند برگزیدگان و نیوشایان در مانویت، پیران و پیروان عام در اهل حق. این ساختارها در حفظ و انتقال آموزه‌های دینی و تقویت پیوندهای اجتماعی نقش مهمی دارند. هر دو مکتب به مفهوم تناسخ اعتقاد دارند. در مانویت، تناسخ به عنوان ابزاری برای پالایش روح و رهایی از جهان مادی در نظر گرفته می‌شود. در اهل حق، تناسخ یا "دونادون" به عنوان فرآیندی برای تکامل روح و رسیدن به وحدت با خداوند دیده می‌شود.

مانویت و اهل حق به تناسخ محدود قائل هستند. روان و روح به عنوان جوهره تناسخ پذیر در مانویت و اهل حق شناخته می‌شود. انسان به عنوان مبدا تناسخ در مانویت و مقصد تناسخ بستگی به اعمال زندگی گذشته دارد. تناسخ در اهل حق سیر تکاملی دارد. و مبدا تناسخ از جامد شروع می‌شود. مقصد آن هم انسان است ولی بطور کلی مقصد تناسخ در اهل حق مانند مانویت بستگی به زندگی گذشته دارد. تناسخ از نظر تداوم زمانی در مانویت، تا رسیدن به رستگاری ادامه دارد. در اهل حق باید ۱۰۰۱ دون را سپری کند. هر دو دین قائل به تناسخ در جهان مادی هستند. مانویت و اهل حق به سیر صعودی و نزولی بر حسب اعمال گذشته اعتقاد دارند. فاصله میان دو زندگی در مانویت وجود دارد. در اهل حق مورد اختلاف است، برخی فرقه‌ها به فاصله میان دو زندگی معتقد نیستند و برخی دیگر قائل به عالم برزخ و فاصله میان دو زندگی هستند. مانویت و اهل حق، نجات و رهایی از چرخه تناسخ را از طریق انجام مناسک و اعتقاد به منجی و بهشت می‌دانند.

فهرست منابع

- ۱- ابراهیم، علیرضا، (۱۳۹۹)، پیکرهای کرایه ای، چاپ ۱، ناشر، کانون اندیشه جوان
- ۲- اردستانی، حمیدرضا، (۱۴۰۰)، مانی و مانویت، چاپ ۱، ناشر، نگاه
- ۳- اسماعیل پور، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، این گنوسی و مانوی، چاپ ۱، ناشر، فکر روز
- ۴- اقامحمدی، علی محمد، (۱۳۸۴)، مانی، مانیکری، صوفیگری، چاپ ۱، ناشر: فرهاد
- ۵- اکبری، سیدمحمد، (۱۳۸۰)، گلستان یارسان (دونادون)، چاپ اول، جلد ۱، ناشر: بی تا
- ۶- باقری، عباس، (۱۳۹۷)، مانی و سنت مانوی، چاپ سوم، ناشر، فرزاد مهر
- ۷- بهار، مهرداد، (۱۳۹۴)، ادبیات مانوی، چاپ ۱، انتشارات، کارنامه
- ۸- تقی زاده، سیدحسن، (۱۳۷۹)، مانی و دین او، چاپ ۱، ناشر: فردوس
- ۹- توفیقی، حسن، (۱۴۰۱)، آشنایی با ادیان بزرگ، چاپ ۸، ناشر، کتاب طه
- ۱۰- جلالی، علیرضا، (۱۳۹۸)، ((بررسی تطبیقی الهیات مسیحی با اندیشه های گنوسی تا پایان قرن پنجم))، پایان نامه
- ۱۱- جیحون ابادی، نعمت اله، (۱۳۶۴)، شاهنامه حقیقت، چاپ اول، ناشر، حسینی
- ۱۲- حسینی، سیدحسین، (۱۳۸۲)، بررسی تحلیلی فرقه اهل حق، چاپ ۱، نشر ذکر
- ۱۳- رجب نیا، مسعود، ۱۳۹۶، تاریخ باستانی ایران، چاپ ۵، ناشر: علمی و فرهنگی
- ۱۴- رستمی، منصور، (۱۳۹۲)، این یارسان، چاپ اول، ناشر: شاکر
- ۱۵- رضایی، عبدالعظیم، اصل و نسب دینهای ایران باستان، (۱۳۵۸)، چاپ اول، ناشر: دانشگاه تهران
- ۱۶- سلطانی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، تاریخ خاندانهای حقیقت و مشاهیر متاخر اهل حق، چاپ ۱، ناشر: سها
- ۱۷- شاه ابراهیمی، سید قاسم، (۱۳۷۱)، اهل حق، چاپ اول، ناشر: راستی
- ۱۸- شریفی، یاسر، (۱۳۸۶)، ((مؤلفه های دینی دخیل در این مانی))، پایان نامه
- ۱۹- صادقی، مجید، (۱۳۷۷)، ((نفس و تناسخ))، ناشر، مشکوه
- ۲۰- صحبت منش، فرخ، (۱۳۸۲)، دین و روان با تاکید بر اهل حق، چاپ اول

- ۲۱- صفی زاده، صدیق، (۱۳۶۱)، نوشته های پراکنده درباره یارسان، چاپ اول، ناشر، عطایی
- ۲۲- صفی زاده، صدیق، (۱۳۹۷)، نامه سرانجام، چاپ ۱، سفیر ادراهل
- ۲۳- طباطبایی فر، سیدعباس، (۱۳۸۵)، سخنی با اهل حق، چاپ ۱، ناشر، عصر جوان
- ۲۴- عاشوری، مریم، (۱۳۹۲)، (سنجش تطبیقی آموزه های مانوی با مسیحیت در عصر ساسانی))، دانشگاه ازاد واحد شاهرود دانشکده علوم انسانی
- ۲۵- غلامی، طلعت، (۱۳۹۱)، (ایین اهل حق کرمانشاه و میراث ایین های باستان))، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند
- ۲۶- فتاح پور، مصلح، (۱۳۹۵)، (مطالعه موردی فرقه اهل حق))، پایان نامه
- ۲۷- فومشی شگری، محمد، (۱۳۸۲)، (مبانی عقاید گنوسی در مانویت))، مجله فسا اهل حق، شماره ۸۴
- ۲۸- قاضی، معجد، (۱۳۵۸)، ایین یاری، چاپ اول، انتشارات بیگوند
- ۲۹- کایت، کلیم، (۱۳۷۳)، هنر مانوی، چاپ اول، فکر روز
- ۳۰- کرستین-سن-ارتوز، (۱۳۹۰)، ایران در زمان ساسانیان، چاپ ۷، ناشر، نگاه
- ۳۱- گودرزی بروجردی، علی، (۱۳۹۹)، فرقه اهل حق، چاپ ۱، ناشر: انتشارات علامه بحرانی
- ۳۲- لعل ارا، محمد، (۱۳۹۷)، (تحلیل و نقد باورها و عقاید اهل حق))، گروه فلسفه دانشکده علوم و تحقیقات دانشگاه ازاد اسلامی
- ۳۳- محمدی ملایری، (۱۳۷۹)، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران لنتفال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، چاپ اول، ناشر: توس
- ۳۴- منتظری، سعیدرضا، (۱۴۰۱)، دین مانویان، چاپ دوم، ناشر، ثالث
- ۳۵- موحدیان عطار، علی، (۱۴۰۰)، تناسخ گذشته و امروز، چاپ ۲، ناشر، دانشگاه ادیان و مذاهب
- ۳۶- وامقی، ایرج، (۱۳۷۷) نوشته های مانی و مانویان، چاپ ۱، ناشر، سوره مهر
- ۳۷- ولی زاده، علی، (۱۳۸۰)، (اهل حق، تاریخچه و فقه))، دانشگاه تربیت معلم تهران
- ۳۸- ویدن گرن، گنو، (۱۳۹۵)، مانی و تعلیمات او، چاپ ۵، نشر: مرکز
- ۳۹- هالروید، استوارت، (۱۳۸۸)، ادبیات گنوسی، چاپ ۱، ناشر: اسطوره

۴۰- الهی، نورعلی، (۱۳۷۳)، برهان الحق، چاپ ۸، ناشر، جیحون

۴۱- یاسمی فر، علی، (۱۳۹۷)، ((ایین و باورهای شیعی در جامعه اهل حق ایران))، دانشگاه

ادیان و مذاهب

42- During, J. (1989). The Sacred Songs of the Yaresan: A Study of the Religion of the Iranian Kakai and its Sanctuaries. Curzon Press